

ایران، جمهوری اسلامی، از انتخابات آینده به بعد؛

17 اسفند 95

فرخ باور

شرایط: اورژانسی؛

هدف: نجات بھر قیمت؛

روش: تشخیص سپس تجویز؛

تشخیص: خونریزی مفرط، تشنج شدید، تب بالا، بخشهای تحتانی در قانقاریا، اطراف گوش و چشم و حلق و بینی زونا، آلرژی شدید فراگیر، ریه ها، کلیه ها، کبد و طحال آلوده و بشدت متورم، بیشتر استخوانها نرم و بیشتر زرد پی ها پاره، پوست عمیقا کنده شده؛

تجویز: در بدترین شرایط تلخترین داروها، فوری ترین و عمیقترین جراحی ها طبق برنامه؛

اگر پزشک اورژانس بیگانه باشد می پرسید "چه بلایی برسر این فرد آمده؟ از کوه افتاده؟ تصاف کرده کرده، زیر کامیون رفته؟ چرا اینطور لت و پار شده، چرا اجزای بدن سرجای خود نیستند؟ مگر سعدی شاعر شما ایرانیها نبود؟ اما در چنین وضعیتی شعر و کار فرهنگی و نصیحت بگوش چنین شخصی اتلاف وقت است و باید بلافاصله وارد کار شد و فعلا جان او را از کام مرگ نجات داد.

پس از عملیات اورژانسی نجات، بستن رگهای پاره، بند آوردن شدید خونریزی، تزریق خون و خشک کردن عفونتها، بستن ماسک اکسیژن و تمام عملیات فوری نجات، باید برنامه های میان مدت را در یک طرح کلی بلند مدت آغاز کرد. برای تبدیل همین برنامه ی اورژانسی نجات به برنامه های دولت مردمی، کار بلد و دلسوز، برنامه ای انتقالی لازم است که قبلا نوشته بودم .

اما برای هجوم به اجرای برنامه ی مردمی میان مدت، در چشم اندازی راهبردی، باید تمام مسایل را در برنامه ی رفع بیکاری قرار داد. تا زمانی که 70% از مردم در روستاها و در میان عشایر بسر می بردند و 30% در شهرها، بیکاری جزئی از همین 30% شهرنشین و حاشیه نشین های آن میشد؛ اما با وارونه شدن این معادله بیکاری نیز به همین تناسب و حتی بیشتر از آن رشد کرد. بیشتر زیرا بسیاری از کارهای خرت و پرتی و روزمره ی بخور و نمیر فقط پوششی بر بیکاری مزمین است و کار محسوب نمی شود. بیکاری را باید ریشه کن کرد و کاری برای همه بوجود آورد که مانند پیچ و مهره های یک ماشین بزرگ، سرد و بیروح نباشد و برعکس، نمونه ای از یک جامعه ی انسانی، خلاق، پر کار، پر بار، شاد، سالم و نیرومند باشد که ما نمونه های آنرا کم نداشتیم. کاری که عشایر می کردند، اگرچه مانند خود طبیعت، بسیار سخت و طاقت فرسا اما همراه با شادی بود که از رنگ و تنوع صنایع دستی و هنرها و رقص و آوازهایشان پیدا بود و هنوز برغم تمام ستم هایی بر آنها رفت تا حدی بجا مانده است. شالیکاران با ساز و دهل و نیلک وارد کار می شدند، چایخانه ها محل استراحت و گپ و گفتگو پس از کار آنها بود. و پس از فروش محصول، زنان به زیارت میرفتند و سپس الگو می خریدند. جوانها عاشق می شدند و برای ازدواج مساله ای بجز جشن گرفتن و هدیه دادن و شیربها نداشتند. بر اساس همین تجربیات که هنوز از حافظه ها پاک نشده می توانیم جامعه ای شاد بسازیم که همه در آن به کار و زندگی و درست کردن خانواده مشغول باشند و این، شدنی است.

دکتر فرخ باور, [04:25 08.03.17]

برای ایجاد کار دو مرض مزمین را باید فوری رفع کرد. نخست، بستن مرزهای ورودی قاچاق و واردات بیهوده و مضر، سپس از بین بردن دلالی و واسطه گیری. اینها کار فرهنگی دراز مدت روبنایی نیستند، زیربنایی، و فوری مانند عمل جراحی و لازم الاجرا هستند. چگونگی کنترل دولت انقلابی مردمی بر واردات و صادرات و تجارت خارجی روشن است و با تغییر قانون، و اجرای آن توسط سازمانها و نیروهای نظامی انتظامی گمرکی و بسیج مردمی کاملاً قابل اجراست. اما از میان برداشتن واسطه گیری و دلالی، که لازمه و نتیجه ی جامعه ی تجاری و هرج و مرج کسب و کار و بی برنامه گی سنتی آنست، که حالا قیافه ی نوین سرمایه داری مالی بخود گرفته و از

توانایی های نرم افزارهای الکترونیکی و سرعت دلالی و انباشت سرمایه نجومی برخوردار بوده و باقی جامعه را بهمان شدت فقیر و تهی و آلوده کرده، کاری مشکل و زمان بر است. همانطور که بنا بر شوخی و گفته ی رهبر محترم، " آقای ترامپ کار ما را آسانتر کرد و قیافه ی واقعی آنها را بیشتر نشان داد"، آقای روحانی و دولت متبوعش نیز بیشتر قیافه ی حریص و وقیح و عقب افتاده ی سرمایه داری مالی و دلالی را در ایران برملا نمود که مردم را فقیر تر کرد و به جیب رفقای خودش هم دستبرد زد و این، تنها جنبه ی مثبتی است که او انجام داد. بنابراین، دولت مردمی جدید، گرچه دوباره تمام رشته ها و برنامه های دولتهای مردمی احمدی نژاد را می دوزد و ادامه می دهد، اما به همین علت شرایط اورژانسی دو قطبی میان مرگ و زندگی که دولت دلال خارجی روحانی ایجاد کرد، مجبور می شود اقداماتی اساسی تر، ریشه ای تر و ضربتی تر انجام دهد. اگر در اجرای برنامه ی مسکن مهر اربابان بی حیای بولدوزرها و بیلهای بزرگ مکانیکی طرح و پروژه ی معماران را با تغییر شکل زمین، صاف کردن تپه ها و پر کردن دره ها "بهمینه سازی" می کردند، این بار این قدرت مدیریتی از آنها سلب و در صورت نیاز خلع ید می شود.

نخست ارتباطات و راهسازی، هرچه بیشتر روی ریل، توی لوله و کشتیرانی، و کمتر روی کامیون و جاده ای؛ شبکه های فیبر نوری، برق و گاز به اندازه ی زیاد انجام شده و اینک شبکه های فیبر نوری و اطلاعات نرم افزاری را باید برای زمینه سازی "دورکاری" آماده نمود. فراگیر شدن امکانات دسترسی های شبکه ای و ریلی، در اجرای سیاست کلی "مهاجرت معکوس" ریشه ی دلالی را می خشکاند زیرا فقدان همین زیرساخت های حمل و نقل و ارتباطات است که امکانات برای دلال و دلالی فعال می شود. به این کار باید هجوم برد و رقاصی و دلبریهای بخش خصوصی را که تا سود زیاد نباشد هم ناز می کند و هم چوب لای چرخ می گذارد کنار زد، و یا آنرا مجبور کرد طبق برنامه وارد شبکه ی کار شود، و یا سلب مالکیت و خلع ید گردد. پول و سرمایه برای اینهمه کار جای نگرانی ندارد و وقتی ظروف مرتبطه شرایط تعادل و گردش پول و ثروت را فراهم کرد پول نیز از بانکهای "آنها" به اجرای این کارها سرازیر می شود. صنایع نفت نه بعنوان تافته ای جدا بافته بل برای رشد بافته های تمام جامعه ی انسانی کشور می تواند هزینه ی اجرای زیرساختها را فراهم کند و مردم، وقتی که برای خود، دولت و

کشورشان کار کنند، با علاقه کار خواهند کرد. "چگونه پولاد آبدیده شد" را بیاد بیاوریم. پس از جنگ دوم، جوانهای یوگسلاوی با دست خالی یخ ها را می شکستند و در انزوای کامل جهانی راه آهن کشور شان را ساختند. اجرای همین زیرساختها و شبکه ها باعث ایجاد کار فراوان هم برای زحمتکشان می شود و هم برای دانشگاه ها که باید مستقیماً وارد کارزار شوند. با دستمزدهای مناسب، بازساخت کارهای سنگین، 40 ساعت کار در هفته، دو روز تعطیلی و استراحت مگر کارهای داوطلبانه؛ برنامه ریزی اوقات فراغت و خانواده گی، فرهنگی، سینمایی، گردشگری و غیره .

کشاورزی پیشرفته بعنوان زمینه اساسی مهاجرت معکوس؛

شهرک های هوشمند، و دهکده های اکونومیک اکولوژیک؛

مکان یابی ساخت دهکده های اکونومیک اکولوژیک بر اساس احیای قناتها و بدست آوردن آب پشت سدهاست. 40% از سطح این دهکده های محصور مربوط به صیفی کاری، گلکاری و گلخانه ای، درختان مثمر و غیر مثمر سوزنی برگ یا خزان پذیر میشود تا دهکده بتواند مصرف خود را تامین و باقی را با بسته بندی مناسب غیر پلاستیکی به شهر بفرستد. بازنشستگان به این کار می پردازند. لبنیات و تخم مرغ سالم "پاستوریزه نشده و زنده" را هم خود این دهکده ها برای مصرف خود تامین می کنند و دانشکده های کشاورزی و دامداری برای بینه سازی تولید سالم و بدون مهندسی ژنتیک یا کود شیمیایی وارد کار می شوند. همینطور برای بسته بندی و انبارداری و حمل و نقل؛

تولید انرژی برق با باد و آفتاب؛

دکتر فرخ باور، [04:25 08.03.17]

توربین های بادی عمودی و افقی در جهت باد غالب، به شکل آسیابهای بادی سنتی جنوب خراسان، در میان دیوارهای باربر خشتی و کاه گلی یا با مغز آجری با ملات بتنی و نه به شکل وحشتناک مدرن امروزی؛ و سیستم های گلخانه های برای حبس گرمای ناشی از تشعشعات خورشید هم برای آبگرم مصرفی و هم برای توربین های

کوچک تولید برق، و لوله های آهنی بلند زیر آفتاب برای ایجاد جریان تند هوا و گردش توربین ها، با کمک دانشکده های برق و تاسیسات؛ فاضلابهای آب سیاه از آبهای صابون دار و آشپزخانه ای جدا شده تا در چاه های سپتیک عمل کند. کیسه پلاستیک یا وجود ندارد یا فروشی و گران است. زباله ی پس از جمع آوری جدآگانه ی چند گانه آشپزخانه ای، شیشه و پلاستیک و باغچه ای و مقوا، به گوشه ای زیر باد رفته بازیافت می گردد؛

واحدهای مسکونی 60% از باقی سطح دهکده را می پوشانند. تمام اتومبیل های ساکنان یا مهمانان در حاشیه در جای امن زیر سقف غیر آهنی قرار می گیرند و باقی دهکده پیاده رو است. این بخش مسکونی دارای مرکز محله و تجهیزات و خدمات مصرفی و فراغتی می باشد. بعلت شیدار بودن زمین، آب باران جمع آوری و انبار می شود و سرریز آن برای سیل نیز ساخته می شود. با در نظر گرفتن باغچه های خصوصی خانه ها، پیاده راه ها و پارکینگ ها، سطح باز دهکده از 60% نیز عبور می کند. پروژه و طرح واحدهای مسکونی آماده است. مالکیت آنها، از زمین تا سقف و با حیاطی کوچک است، که در کنار همدیگر و با میدان ها و فضاهای همسایگی و دفاع غیر عامل، تا 20 سال متعلق به تعاونی دهکده و غیر قابل خرید و فروش یا تقسیم است. نگهداری از آنها بعهده ی خود خانواده است. و باید از ماسوله یاد گرفت که مالکیت خصوصی بام و نگهداری از آن را در خدمت عموم و مصرف همه میگذارند. خانه ها در دو طبقه و بخشی از آن سه طبقه بوده، با شکافهای نورگیر اکولوژیک شده و دارای تھویه ی هوای مطبوع با آفتاب و گردش طبیعی هواست و دورکاری نیز در آنها و در مرکز محله رعایت میشود. شکل و ضریب یا حد تراکم همانی است که بنابر اقلیم بیابانی یا بارانی، کوهستانی زاگرس و البرز، شکل روستاهای گلپایگان، اوروم آدا، ماسوله، ایبانه یا ساحلی و سیستانی و غیره جافتاده و کار می کند. آپارتمان سازی و روی هم زیستن ممنوع می شود. فرهنگ آپارتمان نشینی یاد گرفتنی نیست.

ساختمانها و درزهای انبساط آنها بدون اسکلت و با دیوار باربر؛ کلافهای افقی و ضد زلزله هستند. برای ساخت آنها لازم است آجرهای تازه ای وارد تولید و ساخته شود. نمونه ی این آجرهای سفالی سنگین عایق و ضد زلزله در ایتالیا ساهاست به اندازه های و موارد گوناگون وجود دارد. برای پخت آنها باید کوره های پخت خورشیدی را

با کمک دانشکده ی مهندسی و برق طراحی و اجرا نمود. طرز کار با آنها را در همان مدرسه های محله به خود مردم می توان یاد داد. کار با اینگون آجرهای مجوف بزرگ بسیار سریع و راحت است. اندازه ها کالیبره استاندارد و تکراری است و دور ریز و شکستن ندارد. سقف ها پانلهای استاندارد، کالیبره و پیش ساخته روی کلافهای افقی کمربندی چفت و بست میگردد. باید جایگزینی برای میل گرد ساخت تا خانه به قفس آهنی تبدیل نشود و انرژیهای کیهانی، همانهایی که در اطاق فرعون هرم خوفو جمع شده غوغا می کنند و هرم را به آتش درون (پیرا-مید) تبدیل می کنند، باعث سلامت جسم و جان شوند. در و پنجره پی وی سی و شیشه های دوجداره در اندازه و کیفیات استاندارد در تمام استانها تولید انبوه شده به موقع رسیده و قاب آنها هنگام ساخت دیوارها جا گذاری می شوند. گردش هوا از گربه روهای زیر و راهروهای کناری صورت می گیرد. فضاهای پر و خالی و میانی یا میانجی با ایوان های بیرونی و درونی در نظر گرفته می شود. اینهم کار طراحی و عملی برای دانشکده های معماری استانهای کشور. اگر تغییراتی بنا بر استعدادهای اقلیمی و طبیعی و غیره لازم است در تقسیم بندیهای کشور صورت بگیرد، به پیش. برنامه ی اقلیمی و آمایش سرزمین دوسال پیش از طرف خود رهبر محترم تدوین و پیشنهاد شد و همان باید از طریق بررسی در دانشگاه ها و دروس گوناگون آن اجرایی شده و در این مجموعه های مسکونی تولیدی، و در فعالیتهای کشوری و دیگر فعالیتهای تولید اجرا گردد.

دکتر فرخ باور, [04:25 08.03.17]

صادرات زیر سؤال است: آنچه که تولید آن گرما زا بوده و محیط زیست را آلوده می کند برای صادرات در واقع نه تنها درآمد زا نبوده که بسیار مضر است. نیروگاه های ترکیبی برق با وجود تکنولوژی جدید گردش بخار و آب، بعلت استفاده از چاه های عمیق به شدت به ضرر کشاورزی و سیستم های سنتی چاه و قنات بوده، برق را باید با نیروگاه های هسته ای کنار دریا همراه با آبشیرین کن هایش کسب کرد. تا حدی هم از سدها اما از سدها نباید سوء استفاده نمود. مثلا سدهایی که با اختلاف قیمت و شدت استفاده در طول شب و روز، آب را در دو ظرف بالا و پایین میبرد و به زحمتش نمی ارزد. همینطور مساله ی کشت دیم. با وجود مرغوب بودن گندم آن، با فرسایشی

که در سطح زمین ایجاد می کند ضررش بیشتر از منفعتش است. این را نیز می توان در دانشکده ی کشاورزی به کنکاش گذاشت و نتیجه را در برنامه ریزی کشاورزی وارد نمود .

در کنار این دهکده های نمونه، مساله ی صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی؛ سردخانه ها، سیلو ها و خدمات دیگر شرایط کار و زندگی سالم و شادی را بوجود می آورد که جاذبه دارد و مهاجرت معکوس را بوجود می آورد. این کارها باید با لذت و شادی انجام بگیرد. آنگاه زندگی با کیفیت، انسان با هویت، تولید بدون بیگانگی صورت می گیرد. تمام این موارد را باید در مورد عشایر و کوچندگی آنها بکار برد، راه های کوچ را ترتیب داد و دوباره برقرار نمود و واسطه های فصلی خرید گوشت را از میان برداشت. با مرمت کاروانسراها و رباط های رابط میان شهری و کاروانرو ها به زندگی و استمرار کار و تولید عشایر کمک نمود. صنایع بزرگ را دوباره بررسی نمود. تولید فولاد، مانند تولید سیمان و برق با سیکل ترکیبی اگر آلودگی بهمراه دارد باید از صادرات حذف گردد .

با ایجاد روند برنامه ریزی شده و هدایت شده ی مهاجرت معکوس، که بر عهده ی دولت و بسیج مردمی است، در مدت زمان کوتاهی محله های حاشیه و بدساخت کلان شهرها تخلیه می شوند. آنگاه بجای تقویت بیهوده ی آنها، تخریب شده، و فضای سبز، فراغت، ورزش و خالی برای دفاع غیر عامل نیز باز و مهیا شود. جایجایی پایتخت لازم نیست. با پیشروی این برنامه از تراکم شهر کاسته، و با دورکاری، از حجم ترافیک کم شده، لزوم ساخت بسیار پر هزینه ی پایتخت جدید، که در حالت تحریم ممکن نیست و یا اگر ممکن شود کشور دچار بدهکاری و وابستگی به بانکهای امپریالیستی لاشخور می شود، لازم نیست .

اینها بعضی از کارهای لازم و حیاتی است که لازم است و هم کار بوجود می آورد طوری که به نیروی کار اضافی هم نیاز پیدا کنیم. می توان تصور نمود چنین فعالیتی اگر سر بگیرد و شوراها با داشتن بودجه در آن شرکت کنند، فضا سالم و شاد خواهد شد و نام اسلامی، بدون ربا، با عدالت اجتماعی و در راه مساوات شایسته ی آن در تاریخ و جهان خواهد شد. این کار کاملاً شدنی است و زیاد به کار تخصصی اقتصاددان ها بستگی ندارد.